

۱۸۰۳

درجه بی‌فوق‌العاده

کتابخانه

۵۲/۳/۹

دانشگاه ملی ایران

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

رشته علوم اجتماعی

موضوع پایان نامه

منوگرافی روستای اوستان

برای دریافت درجه لیسانس

تهیه و تنظیم: فاطمه غیاث

براهنمائی استاد محترم جناب آقای دکتر جعفری

سال تحصیلی ۵۲ - ۵۱

۱۸۰۳

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۳-۱	مقدمه
۱۶-۲	فصل اول

تاریخچه

۳۹-۱۷	فصل دوم
-------	---------

اوضاع طبیعی و موقعیت جغرافیائی

موقعیت - ناهمواریها - بارشها - نزولات آسمانی

منابع آب - پوشش گیاهی و حیوانات - آبوهوا

۴۹-۳۹	فصل سوم
-------	---------

سیمای کلی و سیمای اوین و شکل

سکونت

سیمای کلی - وضع تصرف مسکن - شکل سکونت - خانه های قدیمی

خانه های جدید - باغ - آلودگی - کاراز - حمام -

آب انبار - چاه - میدان

سازمان های مذهبی : ۱ - مسجد ۲ - حسینیه ۳ - امامزاده

سازمان های دولتی : ۱ - دبستان ۲ - پست و تلگراف

۳ - زاندارمری ۴ - بانک

غسالخانه - آسیاب - مسازنه

۹۳ - ۹۲

فصل چهارم

جمعیت نگاری

۱ - ساختمان جمعیت : الف - تعداد جمعیت ب - تعداد خانوار

ج - بعد متوسط خانوار د - توزیع سنی و جنسی جمعیت

۲ - حرکات جمعیت : الف - ازدواج ب - طلاق

ج - مهاجرت : ۱ - مهاجرت دائمی ۲ - مهاجرت موقتی

۳ - مهاجرت فصلی

۱۱۱ - ۹۳

فصل پنجم

تاسیسات اجتماعی

آموزش و پرورش - تعلیم و تربیت - مطالعه کتابچه روزنامه و مجله

شنیدن رادیو و تلویزیون - مطبوعات - تفریح و تندرستی مردم

سازمانهای اجتماعی قدرت و سازمانهای قدرتی -

اولیات فراغت

تفریحات عمومی (باریها)

۱ - دستمال بازی ۲ - نجاشی ۳ - من دوشت ۴ - قلعه بازی

۵ - تخم مرغ بوگندو ۶ - ریگشست ۷ - بتوکار ۸ - اکردوکر

۹ - تخم مرغ بازی ۱۰ - هوب بازی ۱۱ - مویز و گریه ۱۲ - جیمت -

۱۳ - اسولولو - ۱۴ - دوز بازی ۱۵ - نوردیدم ۱۶ - دختر گریه میکند

۱۷ - عموزنجیریات ۱۸ - نالیالی به چند من

آداب و رسوم و اعتقادات

الف - اعتقادات بزرگسالی

چشم درد - گوش درد - دندان درد - نظاریل - سرافتادن

سینه پهلو - سرفه - گلودرد - حبه - اسهال - گردن -

جاستد صرع

ب - اعتقادات مذهبی

خبرات و نذرها -

نذر موها - نذر پا - نذر گوسفند - سفره حضرت ابوالفضل

سفره حضرت رقیه - سفره حضرت زینب - آثر امام زین العابدین

سفره بی بی سحر - سفره حضرت خضر - ملائکه ما مور - ملکان پهلزمرگ

ج - اعتقادات خرافی

سرگرمیهای مردان

آفتاب نمستن - مجرد رفتن - قهوه خانه رفتن - شب نشینی

سرگرمیهای زنان

جمع شدن سرکوجه - رفتن به خانه همسایه - روزه رفتن

تهیه آذوقه برای زمستان - بافتن کاموا

اجرای مراسم مذهبی : الفه عزاداری

ب - اعیاد مذهبی

نتیجہ گیری و نظرات اصلاحی

۱- نتیجہ گیری

۲- نظرات اصلاحی : از بین بردن آلونکھا - لولہ کشی آب

بانسیون - وسیلہ رفت و آمد - کتابخانہ - حمام

بانک - سازمان تعاونی

مقدمه

خانواده من ابتدا این ده را برای اقامت موقت و به مدت نیمه منظور استفاده از هوای مطبوع و دلچسب آن برگزیده و فلسفه ولی رفته رفته شرایط مساعد طبیعی آن موجب گشت که این اقامت موقت دائمی گردید و اکنون هشتاد سال از آن زمان میگذرد هشتاد سالی که تغییرات زیادی در این ده روی داده است و هنوز هم این تغییرات ادامه دارد.

من مشاهده می‌کردم که هر سال تعداد زیادی بر جمعیت این ده افزوده می‌شود زیرا ده کوچک و افراد آن منحصر و محدود بودند و به مرور ورود خانواده یا تازه واردی تمام ساکنین ده متوجه میشدند، اوین که تا چند سال قبل ده کوچک و بسته بود و افراد ساکن ده کارشان محدود به کشت و کار زمین و باغداری و دامداری و دام دوستی می‌شد و افرادیکه مشاغلشان ایجاد می‌کرد از ده خارج شوند از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی‌کردند، ضمن مطالعاتی که نمودم و بر طبق آماریکه اتخاذ شده جمعیت این ده افزایش یافته است که این افزایش جمعیت خود موجب تغییرات و تحولات بسیاری گشته است بطوریکه دیگر آران زمینهای مزروعی خبری نیست و این زمینها جان خود را به نمايشگاه و دانشگاه و هتل و ظاهره «پارک وی» دادند و در خودده اوین نیز جنب و جوش دیگری بوجود آمد و به تدریج ساکنین ده که قبلا برای ساختن مسکن خود از محالی چون گل و چوب استفاده می‌کردند اکنون آجر و تیر آهن استفاده میکنند و این ده خوش آب و هوا خود را رفته رفته بیشتر و بیشتر برای پذیرش مهاجر آماده می‌سازد بطوریکه در مدت پنج سال تعدادی افراد مهاجر در اوین از افراد بی‌زیادتر گردیده است که غالباً این افراد و حتی اغلب خود اوینیهادر خارج این و سازمانهای اطراف ده مانند

نمایگاه و دانشگاه و هتل و بانسونهایی که مخصوص دانشجویان است بکارممنون هستند. مشاهده ایس
 ضمیرا تسببند تا بررسی خصوصیات اجتماعی را قطعادی اوین را موضوع پایان نامه تحصیلی خود قرار
 دهم بدینجهت باغوی فراوان کار خود را شروع کردم و باوصفا اینکه منابع و مآخذ در دسترس بسیار کم و حتی
 موجود نبود با اینحال برای درک اوضاع و احوال ازبای نخبهتتم و تا حد امکان کوشش نمودم ، باغد که ایس
 مجموعه مورد قبول اهل فن قرار گیرد هر چند این اولین گام من در راه تحقیق و جستجو است و یقینا " حالی
 از اشکال نیست و کسانی که راه را بمن نشان دهند و نوافر را ذکر دهند منتهی است که من آنرا از جان و دل پذیرا
 خواهم بود و فرصتی بمن خواهند داد تا این مجموعه را تکمیل نمایم .

در اینجا بی مناسبت نمیدانم که آراهنما شیها را بر زنده چنا بدکتر مظهری استاد آرا ندر و ککهای

بی دریغ چنا با آقای فنا دان سیاستگران نمایم .

فصل اول

تاریخه اودن

أذون از دیمهای قصران خارج (شمیران کنونی) بوده ، و ابوالعباس احمدزیدی از آنجا بوده است،

یا فوت در بابا بن فریه آورده .

أذون بالفتح ثم الضم وسكون الواو وآخره نون فریه من نواحي كوره قصران الطاج من نواحي لری

ینسیا لیه ابوالعباس احمد بن الحسین بن بابا الزیدی، سمع منه ابوسعید .

اذون را قلعه ای استوار بوده است ، ذکر فریه اذون و قلعه آن در تاریخ طبرستان مرعشی و تاریخ

رویای اولیاء الله در ذکر احوال جلال الدوله اسکندریں تاج الدوله زیار و برادرش فیروز الدوله از آل -

بادوسپان ، که چندی بر روی نیز دست داشتند بچشم میخورد مرعشی چنین گفته :

جمعی از امراء ایغور جمع گشته بفریه اذون (کذا) ری رفتند، و حارری را که در میان ده مذکور بود

محکم گردانیدند و تمامی ها لمان ملک را که اهل اعتبار بودند در حار را آوردند و پیرزاده دلون قیارا -

(۱) - ری باستان تألیف دکتر حسین کریمان - جلد دوم - صفحه ۴۸۰

(۲) - اذون بفتحه بعدضه وسكون واو که در آخران نون است، دهی از نواحي بهنه قصران خارج از نواحي

ری است و ابوالعباس احمد بن حسین بن بابا زیدی بدانجا منسوبست و ابوسعید از وی حدیث شنید .

(۳) - معجم البلدان ، ج ۱ ص ۱۸۰ س ۱۱ بیعده ج ۴ ص ۱۰۵ س ۱۹ بیعده

بپردازی آن قلمه موعوم گردانیدند.

حضرت ملکی مآبی چند نویسنده بیان را با طاعت دعوت کرده قبول نکردند... سنه شصت و عسین و سیمما...

(۷۵۶) قلمه ادون مفتوح گفت و امیرزاده دلون قهارا باها لیلی قلمه بجان و مال امان دادنده قلمه

ادون فرمودند گرفتند و آن جماعت را اجازت دادند که بقلعه مید که زیر طهرانست روند...

امیر دلون قهارا پس از این واقعه نیز بن باطاعت در داد و همچنان بر سر طهمان بود تا آنکه بعضای

الهی از دنیا رحلت کرده... مجموع اخبار مربوط به آذون موید این حکایت است که آنجا را از شهری فاصله ای

چندان نبوده است و گویا ظاهر « می توان احتمال داد که آذون همان اوین کنونی بوده است و بیجان

این سخن در ذکر اوین بیاید.

اوین یا اوین (ج ۲):

ذکر این آبادی را توضیحی در باب است است. بدین تخلص:

بعهد سلجوقیان و بتفضیلی که در ص ۵۷ و ۵۸ مجلد حاضر گذشت، مردم وند و کهن و فرج زادری زیدین مذهب

بوده اند. دلیل این دعوی درهما نجا از کتاب لنگر مذکور افتاده در این لغت از رواست منقول از لنگر

(۱) - تاریخ طبرستان مرعشی، ص ۱۱۴ و ۱۶ پیوسته

(۲) - تاریخ طبرستان مرعشی، بدنبال داستان فوق

(۳) - ص ۵۰۲ الی ۵۰۵ کتابری باستان

(۴) - منظور کتابری باستان جلد دوم است

«... ونگ وکن وبرزاد (فرح زاد) خراب کرده بودندی...» کلمه ونگ را نسخه بدلای است که محتفدا نشمند

کتاب با نقش بد کتر محدث آنرا در ذیل شماره ۱۶۱۴ هـ ق ۱۶۰۰ نقش چنین نوشته اند:

«خ ل : « وديك » هودريك نسخه قديمی معتبری « وایون » وگمان میکنم که نسخه متن اغرب بصواب

باشد ، بجهت اینکه اندکی پیش (م ۴۵۸ - ۴۵۹) از ترجمه حال سید ابوالفتح ونگی معلوم شد که اوزیدی

بوده است و این امر خود قرینه ایست که اهل آن ده قدیما « زیدی مذهب بوده اندوله العالم ، و بنا بر

نسخه ثالثه قویا « محتفل است که مراد از « ایون » همین ایون باشد که فعلا هسته پس یاد قدیم « ایونیس »

را بصورت « ایون » می نوشته انده و یاد در نتیجه تصحیف و تحریف کتاب و نواح بآن صورت افتاده است ، و

بنا بر نسخه دوم می تواند بود که مصحف و محرف « دهك باشد...»

چنانکه از این بیان معلوم میگردد ، در این نسخه قديمی معتبر اینج نسخه خطی النفس تا لیب -

عبدالجلیل راریه که نسخه مطبوع با تکاء و بر اساس آنها طبع یافته صریحا « ایون بجای ونگ درج آمده

و بنا بر نسخه دیگری قویا « محتفل است که مراد از ایون همین ایون کنونی باشد .

نکنه مهم آنکه ناگزیر بنزد نویسنده ایون (ایون) بجای ونگ روشن بوده است که مردم ایون

نیز همچون ونگ - که دودیه همایه هستند - زیدن مذهب بوده انده وگرنه این لفظ را با ونگ هیچگونه

قربت یا مطابقتی یا لفظی نبوده است تا یکی بصورت دیگری منحرف شود . و احتمال اینکه ایون همان

ایون باشد نیز چنانکه گفت بسیار قوی است و از نوع ایلمان والیمان مذکور در سابق و حلوقان و سولقان

که در حرف " سین " بیاید و در مقابل دیگر است.

در اینجا ذکر این نکته نیز از قاعدتی حالی نمی نماید، که ظاهراً « گریا » انون " که ذکر آن در

ص ۱۱۰ مجلد حاضر برنتهمان " ایون " است. و این احتمال محسوف بفراش قرینه ای است بدین تقریب:

۱ - ظاهراً « هردوآبادی زیدی منسوب بوده اند. در منابع در ذکر انون نام عالم بزرگ احمد بن -

حسین ابوالعباس انونی منسوب بدانجا در انعاده ، که احوال در ص ۱۲۹ مجلد حاضر گذشته وی عالمی

زیدی بوده ، و این امر خود قرینه ای قوی است که مردم انون این منسوب داشته اند. مردم ایون نیز

بنا بر مدارجات النفس چنانکه گذشت زیدی منسوب بوده اند.

۲ - هردوآبادی در شمیران کنونی قرار داشته ، انون از نواحی نمران خارج بوده و نمران خساج

بتفصیلی که در مقام خود بیاید، بر شمیران کنونی اطلاق می گرده است. و ایون (اوین) وکن و فراد

مذکور را نفس نیز در آنجا قرار دارد.

۳ - حرف ذال در انون - و پاره ای کلمات دیگر - بر طبق قاعده و خامه در تلفظ مردم نمران - باید

" ن " بدل شده. و این کلمه در فرس اسلامی بتدریج صورت " ایون " بخود بگیرد. زیرا از جمله تفسیراتی

که در نام اماکن در زبان فارسی بعمل آمده است تبدیل حرف ذال به هاء است. چنانکه مرحوم بهار در سبک

شناسی گفته :

" ایرانیان ذالهای معجمه قدیم را خامه در آخر نام بلاد و دهات بجای هاء تفسیری مجهولی بدل کرده اند ،

(۱) - ری باستان جلد دوم

چون ترغبذ و ترغبی و ما زان و ما یان^۱

و ارمین مقوله است: جرباذقان و جربایقان^۲ و آذربادگان و آذربایجان^۳ و روزه و روبه^۴ و دردی

و با بروذگران بجای رویگران در سیستان و غیر اینها^۵.

در زبان فارسی کلمات دیگری نام اماکن که در آنها ذال بیابدان زایدند چون دشمنانگی و

دشمنانگی^۶ و پادشهر بجای پادشهر و آذین بجای آذین و جز اینها^۷ علاوه بر اینها هنوز در فرمان ری -

و بویه و دیهای فرمان داخل که بسبب محبوت مسلت با خراجیهان کمتر اختلافی داشته اند و زبان محلی

باشقانی ایشان با نصبیه محفوظ مانده و همانند او شان و آنها را میگویند و غیره - حرف ذال را در کلمات

"یا" تلفظ کنند و فعلی که دارای این حرف هستند ماعدا^۸ بدون استثناء همه با یا تلفظ می شوند و

همچون: بشوی بیانشدن و بخندیش بیانشخندیدن و ببخشیش بیانبخشیدن و صدها معانی دیگر و این

کار در بسیاری از موارد در اسامی نیز صورت میگیرد چنانکه بدر را پیره و روزه گوسفند را روبه و دوده را

دویه و قریه روید آنجا را روید تلفظ کنند^۹.

قوت اطراف این فاعله در آن حدود بسیار است که اگر بفرس کلمه "اذون" امروز پیدا می شد و

(۱) - جایی در خراسان: سبکشناسی ص ۲۱۶ ص ۲

(۲) - نام سه دیه: در آذربایجان و خراسان و دامغان:

(۳) - طبیرس و مجموع البیان ج ۱ ص ۱۴۹ ص ۳ بیعد

(۴) - یادداشتی مرحوم قزوینی ج ۴ ص ۲۳۷

(۵) - مجله او کتاب حاضر (ریاستان) ص ۲۱۲

(۶) - کلیه و دمنه بتصحیح اسناد مینوی ص ۱۲۲ ص ۳ و ذیل ۳ و ص ۱۲۲ ص ۲ و ۸ و ۱۱ و ذیل ص ۳

(۷) - کلیه و دمنه بتصحیح اسناد مینوی ص ۱۲۲ ص ۳ و ذیل ۳ و ص ۱۲۳ ص ۲ و ۶ - ۱۱ و ذیل ص ۲

مردم آنجاخواه و ناخواه آنرا « ایون » تلفظ می کردند:

۴ - مشابهت کاملی که کلمه اذون با ریشه کلمه آیین - که بقول اهل فن اذونیک و اذوین است -

دارد (و شاید بود که خود همان کلمه باشد) این احتمال را مویدی دیگر در این تبدیل تواند بود - مرحوم

بهار که در این فن و فونی داشت - در سبکشناسی - در ذکرها نگه و کلمه آذین چنین ذکر کرده :

« آذین از لغت « آذوین » و اذونیک » پهلوی است که در زبان دودی بر طبق قاعده عام ، که اغلب

ذالها را قدیم را بیابدن - سارنجون بقا میروید مبر آذین هم آیین شده است .

و نیز از این مقوله است « اذونیت - آینه - اذوین - آیین »^۲ که این دالها بر طبق قاعده در اصل

همان ذال بوده است . زبان مردم پهنه ری ، چنانکه در جلد اول کتاب حاضرین ۶۰۶ و ۶۰۹ مذکور آمد ،

در زمان پیش از اسلام پهلوی بوده است در نواحی ری باستان آبادیها را دیگری نیز وجود داشت که نام

آنها با آذین ترکیب یافته بوده همچون جرادین و مشکاذین که ذکرشان بیاید .

اگر تفصیلی که گفتیم موجه تلفظی کرده ، معلوم خواهد شد که اذون و ایون همان اوین است و مره

نام پل محل است که هنوز باقی است و دانشگاه ملی ایران در جنب آن بنیان یافته است .

(۱) - راجعه الطور ص ۳۶۲ ص ۲

(۲) - حرف تدر این کلمات صورتی از حرف ذال است

« ابن الاثیر در ضمن وقایع سال ۳۱۶ و خبر قتل اسفارا صاحب‌بری و قزوین و قم و غیره در باره شمیران چنین

می نویسد:

اسفارا سر لشکر مهمی بوده که مرداویج بن زیار دیلمی او را به سال ۳۱۶ صاحب‌شمیران طرم فرستاد که در اطاعت خود در آورد و این اسفارا همان است که بعد از فرزندش صاحب‌آذربایجان و غیره هاگفتولی همینکه مرداویج به سال رسید با هم پیمان اتحاد بر جنگ با اسفارا بستند در آن موقع اسفاره قزوین رسید و منتظر آمدن مرداویج بود مرداویج نیز به همگی سران لشکر خویش که از آنها مطمئن بود نامه دعوت و اتحاد بر علیه اسفارا نوشت مرداویج و سال بعد از این بسوی اسفارا رفتند اسفارا اول بری رفت که اموال خود را ارعالمی که در روی داشت بگیرد عاملی جز پنج هزار دینار با و نداد و بعد بناحیه بیهمی و بست رفت سپس بسوی روی آمد و دستگیر شد و کشته گشت چنانکه در صفحات پیش از این کتاب^۱ ذکر کرده ایم - امین احمد رازی در تذکره

هفتاقلیم راجع به شمیران طهران چنین مینویسد:

طهران بواسطه انها رجاویه و کثرت^۲ اشجار منمره و باغات مترزه نظیر بهشت است خاصه بلوک شمیران که در شمال این قریه واقع است و از کمال حضرت و صفا و نصرت و بها از خیر توصیف بیرون است بلوک شمیران که بشمع ایران معروف بوده بهترین بیلا قات دنیا است^۳ در تابستان ۱۱۷۳ کریمخان زند برای بیلاقی به شمیران رفت و حکم کرد که در غیاب او عمارت سلطنتی و دیوانخانه بزرگ و هرمانه و غیره اجنانکه در این

(۱) - صفحه ۴۸-۴۹ کتاب تاریخ تهران نوشته علی جواهرکلام

(۲) - تاریخ تهران

(۳) - تذکره هفتاقلیم

(۴) - ص ۵۲۲ ج ۱ اموات البلدان